

ارزیابی دقت اندازه گیریهای خطی بدن در بره های مغانی برای پیش بینی میزان لاشه تولیدی و محتوای چربی لاشه پس از کشتار سید مهدی حسینی وردنجانی^{۱*}، سید رضا میرایی آشتیانی^۲، عباس پاکدل^۳ و حسین مرادی شهراباک^۴

۱، دانشجوی کارشناسی ارشد ژنتیک و اصلاح نژاد دام دانشگاه تهران

۲، ۳، ۴، به ترتیب استاد، دانشیار و استادیار گروه علوم دامی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

نویسنده مسئول: سید مهدی حسینی وردنجانی smhosseini2020@ut.ac.ir

چکیده

ذخایر چربی بدن نقش مهمی در تعیین کیفیت لاشه و درجه بندی آن دارد. هدف از این تحقیق برآزش معادلات رگرسیون چندگانه با استفاده از اندازه گیریهای خطی بدن برای تخمین وزن لاشه و ذخایر چربی بدن می باشد. پس از اندازه گیری وزن بدن همراه با قد و طول حیوان، محیط دورسینه، دور شکم و دور گردن در ۳۸ راس بره نر مغانی، گوسفندان مذکور کشتار شدند. سپس لاشه هاتجزیه شد و دنبه از آنها جدا و وزن شد. آنالیز داده ها نشان داد که ضرایب همبستگی بین وزن کل چربی تولید شده در حیوان با محیط دور شکم و دور گردن به ترتیب ۰/۵۲ و ۰/۶۰، بین وزن بدن با وزن دنبه و عمق چربی زیر پوستی به ترتیب ۰/۳۳ و ۰/۳۶، بین وزن بدن با وزن لاشه ۰/۹۲، بین وزن لاشه با محیط دور شکم و محیط گردن به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۶۷ می باشد. مقادیر ضرایب تشخیص در معادلات رگرسیون برای تخمین وزن بدن، وزن لاشه گرم، وزن دنبه، عمق چربی زیر پوستی و وزن کل چربی با استفاده از برخی اندازه گیریهای خطی با روش Step wise و اپتیم کردن آماره ی مالو (cp)، به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۶۱، ۰/۳۴، ۰/۲۳ و ۰/۶۰ می باشد. نتایج حاصل نشان می دهد که می توان وزن ذخایر چربی بدن و همچنین وزن لاشه را با استفاده از این روش با دقت نسبتا بالا بپیدا کرد.

کلمات کلیدی: اندازه گیری خطی - ترکیبات لاشه - چربی لاشه - ضرایب همبستگی - رگرسیون چندگانه

مقدمه

گوشت به عنوان مهمترین منبع پروتئین حیوانی، معمولا نقش بسزایی در تامین احتیاجات بدن به اسیدهای آمیناز طریق جیره غذایی انسان برعهده دارد. ترکیبات لاشه از لحاظ کمی و کیفی در بین گونه های مختلف حیوانات و هم چنین در داخل یک گونه تفاوت های بارزی دارد. این تفاوت ها نه تنها از دیدگاه اصلاح نژاد برای دست یافتن به پتانسیل برتر ژنتیکی حائز اهمیت است، بلکه می تواند منبع مهمی در تامین انواع ذائقه های مصرف کنندگان به شمار آید. این مسئله همواره مد نظر اصلاح کنندگان قرار داشته است. مصرف کننده بعنوان آخرین لایه از زنجیره غذایی، خواستار لاشه ای با حداکثر میزان عضله و کمترین چربی می باشد (۳). لذا تلاش برای برآورده کردن خواسته مصرف کننده، افزایش درآمد در هر واحد پرورشی را بدنبال خواهد داشت. برای باقی ماندن در عرصه ی رقابت باید به تولید گوشت و لاشه مطلوبتر و بهبود صفات مرتبط با آن پرداخت. با این حال دونکتها سید را نیز مینباید مد نظر قرار گیرد: نکتهاول بهبود شایستگی لاشه در مقیاس وسیع و نکته دوم انتخاب ابزار مناسب مورد نیاز پرورش دهندگان برابردر کبهد حاصل شده می باشد که در عین مقرون به صرفه بود دنیا بداز دقت کافی نیز برخوردار باشد (۵). برخی از اندازه گیری های خطی بدن نظیر طول بدن، محیط دور ران و... به عنوان پیش بینی کننده ترکیبات لاشه مطرح هستند (۴). به طور سنتی در برنامه های پرورشی گوسفند گرایش خاصی به انتخاب حیوانات، پیش بینی وزن کشتار، کیفیت لاشه و... بر اساس ارزیابی شکل ظاهری و یا تطابق های ظاهری به عنوان شاخص هایی از عضلانی بودن وجود دارد (۲). هدف از این تحقیق بررسی امکان استفاده از اندازه گیری های خطی بر روی حیوان زنده برای پیش بینی ترکیبات لاشه در گوسفند نژاد مغانیمی - باشد.